

نامه به نخست وزیر در رابطه با فاجعه سینما رکس آبادان

۲ شهریور ماه ۱۳۵۷

جناب آقای نخست وزیر

جریانات اخیر کشور و شتاب خاصی که در جهت خشونت کشتار و خرابکاری گرفته است و تمام آنها نه تنها در تجاوز به حقوق بشر و فردی مردم خلاصه نمیشود بلکه با برنامه منظمی درزمینه تجاوز وسیعتر و شدیدتر به آزادی ملت و حقوق بشری مملکت میباشد، این جمعیت را بر آن داشت که ضمن اظهار تاجر عمیق و انزجار شدید از فاجعه مرگبار بی سابقه و ننگین آتش سوزی سینما رکس آبادان علاقمندی و آمادگی خود را برای اعزام یک هیئت ذی صلاحیت بیطرف جهت تحقیق و رسیدگی بعلم و عوامل بروز فاجعه محرق اعلام دارد و بخواهد که دستور فرمایند مقامات محلی در ادای توضیحات و ارائه مدارک و شواهد با این جمعیت همکاری نمایند.

از آنجا که فرصت در حال فوت شدن است و از هم اکنون لازم و ممکن میباشد که سئوالات و دلائل از آنچه بدست آمده است استخراج و عرضه شود. ما به سهم خود نکات ذیل را بعنوان مقدمات تحقیق به استحضار دولت و افکار عمومی میرسانیم تا کمک و دلالتی در طریق کشف علل و عوامل واقعی قضیه و هشدار و جلوگیری از اشتباه و اتهامهای زیان آور انحرافی بعمل آید.

۱- مسئله قابل توجه و قبل از هر چیزی تذکر این نکته است که بفرض دخالت داشتن و مقصر بودن فرد یا افراد خرابکار اعم از ایرانی یا خارجی، مسئولیت مامورین محلی مسلم و غیرقابل اغماض میباشد و آقای استاندار خوزستان نیز اظهار داشته اند ک " اگر بمسائل ایمنی توجه میشد کشته شدگان تعداد کمتری میداشتند ". (روزنامه کیهان ۵۷/۵/۳۰).

سئوالاتی که مطرح میشود اینست که چرا شهربانی و شهرداری آبادان اجازه داده اند یک سینمای هشتصد نفری نسبتاً بزرگ و قدیمی برخلاف اصول فنی ایمنی و ضوابط شهری بدهی دایر بوده باشد و مشتری بپذیرد، نداشتن دربهای خروج و فرار آزاد وسیع، مجهز نبودن به تاسیسات آتش نشانی آماده و حتی خوکار در خارج و داخل، عدم حضور و مراقبت متصدیان لازم و اطلاع ندادن فوری به موسسات امدادی (شهردار آبادان ادعا کرده است که ... استناد به اینکه ماشینهای آتش نشانی دیر رسیده و وقتی بدون آب بوده است و وظیفه آتش نشانی در شهر آبادان استثنائاً بعهده شرکت ملی نفت میباشد) نمیتواند رافع تقصیر مقامات دولتی و شرکتی باشد تصادفاً شرکت نفت در مناطق نفت خیز به لحاظ مبارزه با حرارت و حریق قاعدتاً بسیار مجهز و مسلط است.

۲- مسولیت شهربانی آبادان جلب توجه خاص در این جریان مینماید:

الف) سینما رکس در نزدیکی شهربانی قرار دارد و قاعدتاً میبایستی بیش از سایر سینماها و به سرعت و به سهولت محافظت میشده است. چرا نشده است و چگونه میشود که اگر خرابکاران غیردولتی عامل واقعه بوده اند چنان محل مجاور و زیر نظر شهربانی را برای اجرای نقشه خطرناک خود انتخاب کرده باشند؟

ب) آقای رئیس شهربانی (طبق مندرجات روزنامه کیهان ۵۷/۵/۳۰) علت عدم حضور و نگماشتن مامورین شهربانی مخصوصاً برای حفاظت سینما را خست مدیر سینما دانسته عذر بدتر از گناهی آورده اند در حالیکه شهربانی با اطلاع و سابقه ای که از آتش سوزیهای متعدد سینماها درایران و حوادث فراوان هفته های اخیر داشته است و برنامه هائیکه دولت برای حفاظت اماکن عمومی در معرض خطر ماههاست اجرا مینماید راساً مامورین متعددی را در داخل و خارج محل مستقر نمیکرده است در صورتیکه عملاً خلاف رخ داده است. واگر مامورین عادی و رهگذری وجود داشته است چرا اقدام عاجل موثری نکرده اند.

حتی شنیده شده و روزنامه‌ها از قول نجات یافتگان یا حاضرین نقل کرده‌اند که وقتی خواسته‌اند به کمک آتش‌زدگان بروند و به نحوی در و دیوار را بشکافند و بشکنند مأمورین پلیس مانع از آن شده و بدرفتاری کرده‌اند؟ (کیهان ۵۷/۵/۳۰ و ۵۷/۵/۳۱ و شهادت پدر صاحب ۵ فرزند)

ج) آقای رئیس شهربانی بطوریکه در مصاحبه رادیو تلویزیونی روز بعد از فاجعه اظهار داشته‌اند حوالی ساعت ۲ صبح یعنی بعد از ۵ ساعت از اعلام وقوع حادثه به بازدید محل رفته‌است. آیا ایشان خارج از آبادان و مشغول به انجام وظیفه دیگری بوده‌است؟

البته گفته شده‌است، و این مسئله محتاج به رسیدگی و تحقیق می‌باشد که کسانی ایشان را دیده‌اند که درب ورودی سینما را شخصاً قفل می‌کرده یا زیر نظرشان قفل می‌شده‌است.

د) آقای رئیس شهربانی در مصاحبه بعدی خود با خبرگزاری فرانسه صحبت از چهار بمب در چهار گوشه سینما کرده‌اند. انفجار بمب با تمام اطلاعات و اخباری که قبلاً در روزنامه‌ها از قول مردم و مقامات نقل می‌شده و عنوان آتش سوزی به زبان و قلم می‌آمده‌است منافات داشته معلوم نیست چگونه ممکن است کسی صدای انفجار چنین بمب‌هایی را شنیده و نگفته باشد. آیا این تناقض‌گوئیه‌ها دلالت بر چیزی نمی‌تواند داشته باشد؟

ه) آقای رئیس شهربانی آبادان قبلاً رئیس شهربانی قم و اداره‌کننده موفق کشتار دست‌جمعی و حمله پلیس به مردم بیگانه و بی‌دفاع آن شهر بوده‌است که به جای محاکمه و اخراج ترفیع مقام یافته‌اند و شاید داوطلب یا مأمور برنامه مصیبت‌بارتری شده‌است.

۳- خبرگزاری پارس در اولین تلگراف خود صریحاً و ابتدا اعلام داشته‌است که حادثه هولناک "وسیله خرابکاران ترتیب یافته بود" در حالیکه در همان شماره ۵۷/۵/۳۰ روزنامه کیهان آقای استاندار خوزستان گفته‌است ستاد محلی به ریاست خود در فرمانداری آبادان تشکیل داده و "تحقیقات گسترده‌ای را برای تعیین علت واقعی حریق و شناخت عوامل آن آغاز کرده‌اند".

چطور میشود با آنکه هنوز تحقیقات کافی در زمینه علل و عوامل آتش سوزی بعمل نیامده‌است خبرگزاری دولتی پارس قاطعانه و عجولانه آنرا ناشی از عمل خرابکاران دانسته و به دنیا مخابره کرده‌است؟ چنین مینماید که خبرگزاری پارس و وزارت اطلاعات نقشه و تصمیم قبلی داشته‌اند که به انتصاب عمل به خرابکاران فرضی تبلیغاتی بر ضد آزادیخواهان ایران و آزادیهای "اعطائی" در سطح جهانی پخش نمایند.

۴- طبق خبر روزنامه‌ها ۲۹ سینما در چند هفته گذشته در سراسر کشور به آتش کشیده شده‌است اگر رقم فوق را با تعداد هتل‌ها و رستورانها و اماکن عمومی آتش گرفته شده یا خراب شده اخیر جمع کنیم به حدود چهل محل میرسیم و این رقم بزرگ وجود یک تشکیلات سابقه‌دار مجهزی را ایجاب مینماید که در سراسر کشور شعبه و شاخه داشته و با برنامه منظمی عمل می‌نماید.

آیا چنین تشکیلات با توجه به سوابق و سنت و سیستم کار احزاب و گروهها و افرادسیاسی و مذهبی ایران قابل قبول هست؟ اگر وجود دارد و حتماً میبایستی الهام و ارتباط با خارجیان داشته باشد چگونه است که تا به حال دستگاههای انتظامی دولت با این همه وسائل اطلاعاتی و بودجه‌های خود کشف نکرده و سراغ نداده باشند تنها نیروهای انتظامی و پلیسی دولت است که چنین امکانات لازم را در اختیار دارد و قبلاً نظائری از قبیل بمب‌گذاری در خانه‌ها و دفاتر مخالفین انجام داده‌است.

مبطور کلی حوادث و تظاهرات و اغتشاش‌هاییکه از یک سال قبل به این طرف روی میداده و در ماههای اخیر به اوج خود رسیده‌است قابل تفکیک به دو دسته یا دو نوع ذیل می‌باشد.

الف اجتماعات سیاسی و مذهبی پر جمعیت با تظاهرات زبانی علیه دولت و مقام سلطنت و احياناً حملات دستی و جزئی افراد متفرق به بعضی موسسات ضداسلامی و ضدملی و آزادی.

ب- حملات دامنه دار و عملیات پر آسیب تدارک شده قبلی به هتل ها و رستورانها و سینماها و اماکن عمومی دیگر.

عکس العمل پلیس و دولت در برابر دو دسته حوادث و نظایرات فوق به دو نوع کاملاً متفاوت صورت گرفته است.

نسبت به اولی ها غالباً بسیار خشن، وحشیانه، سریع، و حتی با پیش بینی های لازم بوده ممانعت بعمل می آمده است و افراد زیادی را بازداشت، تبعید، مضروب و چه بسا مقتول میکرده اند اما نسبت به دومیها عدم حضور یا خودداری پلیس از مداخله، انتظار انجام حادثه، عدم دستگیری عاملین و حتی عدم معرفی و شناسائی آنان بسیار آشکار بوده است.

مثلاً آیا باور کردنی است که پانصد نفر جوان متشکل در روز روشن وارد هتل شاه عباس اصفهان شده و سالن بزرگ آنجا را بسوزانند و خراب کنند و بی سروصدا خارج شوند و هیچ مسئول و کارمند هتل یا مامور انتظامی و مخفی متعرض و مطلع از ورود و خروج و عملیات آنها نشود. و حداقل مچ یک نفر را نگرفته و افرادی را شناسائی ننموده باشد؟ مگر آنکه حساب و عمد و دستوری در کار بوده است.

همینطور درمورد دستوران خوانسالار، رستوران حتم و سینماهای بزرگ تهران.

درمورد سینمای آبادان حتی آقای استاندار بطور قاطع اظهار داشته اند " هیچ شخص مسلمان نمیتواند در این واقعه دخالت داشته باشد " (کیهان ۵۷/۵/۲۰).

چنین است تفاوت در نوع حوادث و تفکیک در عکس العمل پلیس استنباطی را به ذهن می آورد که نکند اولیها طبیعی و از ناحیه مردمی بوده است که رفتار و روابط دولت آنها را به حداکثر خشم و استیصال در آورده است و دومی ها غیر طبیعی، غیر ملی و با نقشه و هوشیاری سازمانهای انتظامی صورت گرفته باشد.

۶- اعلیحضرت در مصاحبه ۲۸ مرداد ۵۷ با اطمینان خاطر پیش بینی " وحشت بزرگ " فرموده اند و نیروهای انتظامی را حامی زیر فرمان خود علیه ملت قلمداد کرده اند.

آیا ارتباطی ما بین آن فرموده ها و این رویدادهای وحشتزا که منظمأ سرمیرسد قابل تصور نیست؟

۷- اصولاً سیاست تبلیغاتی و روال عمومی دولت در جریانهای یکساله اخیر چنین بوده است که اجتماعات اسلامی و ملی بزرگ با شعارهای سیاسی و اعتراضات همگانی و تظاهرات معنی دار وسیع مردم ندیده و نشنیده گرفته مانع انعکاس و انتشار آنها در روزنامه های خبری شده

(مانند شتهای مسجد قبا در ماه مبارک پارسال - شتهای شعر - بازاربندان و سکوت های فراگیر شهرهای ایران در چهل تیریز و ۱۵ خرداد و غیره. مصاحبه مطبوعاتی تاریخ ۲۰/۴/۵۷ جمعیت بشر) ولی تظاهرات تخریبی و حرکات نامطلوب افکار عمومی را نه تنها با تفصیل و توسعه بلکه با بزرگ کردن و دامن زدن و ساختن در صفحات روزنامه ها و در برنامه های عمومی چنان ظاهر سازند که نهضت ملی و موج اعتراضات همگانی را بصورت خرابکاریهای ضد آبادی و آزادی در آورند و دست آویزهائی برای خشونت های پلیسی گذاشته و نقشه های استبدادی و دیکتاتوری آینده بسازند.

فاجعه آبادان یکی از پیشرفته ترین این صحنه سازیها به نظر می آید.

این جمعیت بدین وسیله هشدار به دولت و ملت داده قرائن و براهنی را که میتواند کاشف حقایق باشد به اطلاع رساننده و مجدانه درخواست می نماید موافقت خود را هر چه زودتر با اعزام یک هیئت تحقیق از طرف این جمعیت اعلام و به مامورین و موسسات آبادان دستور فرمایند همکاری لازم را مبذول دارند.

هیئت اجرائی ایرانی دفاع از آزادی و حقوق بشر